

اوصاف پیامبر اعظم ﷺ در صحیفه سجادیه ۱

ممتاز علی سولنگی ۲

چکیده

پیامبر اکرم ﷺ به عنوان برترین انسان ها می باشد که در قرآن کریم به عنوان الگوی حسنه معرفی شده است و در تمام مذاهب اسلامی سنت پیامبر یعنی قول، فعل و تقریر پیامبر ﷺ حجت است و منبع مهمی برای رفتار فردی، اجتماعی، سیاسی و همه جنبه های زندگی بشر می باشد. یکی از روش های مطمئن برای شناخت سیره پیامبر ﷺ و اوصاف ایشان، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. و همه امامان در طول زمان اوصاف پیامبر ﷺ را به مردم به عنوان الگوی جاودان یادآوری کرده اند و در صحیفه سجادیه ی چهارمین امام شیعیان، اوصاف پیامبر ﷺ در قالب دعا آورده است، که این نوشتار به بیان بخش هایی از اوصاف پیامبر ﷺ از زبان امام علی بن حسین علیهما السلام در صحیفه سجادیه می پردازد.

واژگان کلیدی: پیامبر ﷺ، اوصاف نبوت، امام سجاد علیه السلام، صحیفه سجادیه، رسول الله ﷺ.

۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۵ _ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲۱

۲ دانش پژوه دوره کارشناسی فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه، مشهد مقدس

مقدمه

شناخت صحیح اوصاف و شخصیت والایی پیامبر اکرم ﷺ زبان انسان های را می طلبد که نسبت به جایگاه رفیع آن حضرت، آگاه و از علم سرشار الهی برخوردار باشند، تا رسول خدا را آنگونه که هست، معرفی نمایند. زیرا کسانی که دارای روح با عظمت و فوق انسان های عادی هستند، درک کردن حقیقی آنها کاری آسانی نیست و افراد فاقد صلاحیت، قادر به شناخت صحیح آنان نخواهد بود.

اینک نوشته ی زیر، جهت شناخت اوصاف پیغمبر اکرم ﷺ به سراغ سخنان روح بخش امام عارفان، سجادِ ساجدان، علی بن الحسین علیه السلام در کتاب وزین و گنجینه معارف اسلامی «صحیفه سجادیه» می رود. چون تنها این خاندان ملاک سنجش حق و همسنگ کتاب خداوند هستند و از هرگونه خطا و لغزش در امان الهی می باشند و سایر مردم از چنین جایگاهی برخوردار نیستند. پس سخنان آنان در مورد فضائل بی مانند رسول خدا، سزاوار شنیدن است.

کلیات تحقیق

تبیین موضوع

براساس اندیشه اسلامی، پیامبر گرامی اسلام ﷺ به عنوان برترین الگوی انسانی مطرح می باشد و قرآن کریم آن حضرت را اسوه حسنه می داند. به همین جهت، بر همه لازم است، تا در پرتو شناخت اوصاف و افعال آن بزرگوار و در مسیر پیروی و الگوبرداری از آن وجود مقدس، قدم بردارند. برای شناخت آن حضرت و آگاهی از اوصاف و شخصیت بی مانندش، به منابعی گوناگونی مراجعه می شود، برخی به قرآن کریم مراجعه کرده اند که کاری پسندیده و خوبی است، بعضی هم به کتب سیره و تاریخ، همچون «سیره ابن هشام، طبقات ابن سعد، تاریخ یعقوبی، تاریخ طبری» و عده ای هم به کتب حدیثی مثل «اصول کافی، صحیح بخاری، صحیح مسلم و سایر کتاب های حدیثی رجوع می کنند.

اما به نظر میرسد، شناخت آن حضرت از منظر فرزندان معصومش، به ویژه در سخن و بیان «امام علی بن الحسین علیه السلام تا به حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

اینک در نوشته ای که فراروی خوش دارید، سعی شده است که با مروری

در صحیفه سجادیه، اوصاف پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی ﷺ از زبان امام سجاده علیه السلام مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.
فرضیه های تحقیق:

امام سجاده علیه السلام پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان یک «انسان کامل» معرفی کرده است که دارای برترین اوصاف کمالات است و کسی دیگر آن اوصاف را دارا نیست. به این سبب، پیغمبر اسلام ﷺ افضل انسان ها، از نگاه امام سجاده علیه السلام است.

سابقه تحقیق:

تا جای که نگارنده به تحقیق و جستجو پرداخته است؛ تا کنون تحقیقی مستقلی با این عنوان نوشته نشده است و این اولین تحقیقی است که به موضوع فوق پرداخته است. اگرچه در شروحاتی که بر صحیفه سجادیه نوشته شده است، به صورت پراکنده، به برخی از اوصاف رسول خدا ﷺ اشاره شده است و در این نوشته از آن ها نیز استفاده شده است.

اهداف تحقیق

برخی از اهداف این تحقیق عبارتند از:

- ۱- آشنائی با صفات پیامبر اکرم ﷺ از زبان امام سجاده علیه السلام.
- ۲- شناخت پیامبر اعظم ﷺ و شناساندن وی به دیگران.

ضرورت تحقیق

برخی از مطالبی که میتوان بر اساس آن ها، ضرورت این تحقیق را نشان داد، عبارتند از:

- ۱- ضرورت شناخت پیامبر به عنوان برترین الگوی انسانی.
- ۲- ضرورت بررسی متون اولیه اسلامی و کشف دلالت ها و معانی دقیق آن ها، به ویژه صحیفه سجادیه.
- ۳- دقت و بازشناسی اوصاف پیامبر بر اساس دعا های مأثور و روایات اهل بیت .

اوصاف پیامبر اعظم ﷺ در صحیفه سجادیه

صفت اول: قائد خیر

قائد به کسی می گویند که جلودار کاروان است، راه رفته و مقصد شناس است و در این امر اشتباه نمی کند. از پیچ و خم ها آگاه است و در این و در کارش دچار خطا نمی شود. آری، پیامبر اکرم ﷺ دارای چنان مقام و عظمتی است که می تواند بشر را به سوی خداوند هدایت کند.

خیر یک عنوان عام و کلی است و تحت این عنوان تمام اعمال صالح انسان جای می گیرند... (لبنانی، ۱۳۸۹ش: ۳۰۳) و قول امام علی علیه السلام هم بر همین مطلب دلالت می کند که خیر را کمتر نشمرید. اگر کوچک باشد نزد خدا بزرگ است و اگر کمتر باشد نزد خداوند بیشتر شمرده می شود.

در دعای دوم صحیفه سجادیه آمده است: «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ، وَنَجِيكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ» رسول با کرامت اسلام در تمام شئون حیات و زندگی خود، برای انسان ها، قائد خیر و راهنما به سوی تمام نیکی ها بود. آن شخصیت بی نظیر، به وسیله قرآن مجید، هر برنامه خیری را به انسان ها به ارمان آورد.

جهانیان پیش از بعثت و رسالت آن حضرت، از معنا و مفهوم خیر بی خبر بودند و آنچه را خیر می دانستند در حقیقت شر بود، آن مشعل پرفروغ و هدایت، خیر و نیکی را به مردم تعلیم داد و از تمام انسان ها دعوت کرد که خود را در تمام زندگی، به خیر بیارایند. تعالیم حیات بخش نبی مکرم اسلام، نوری بود که در دل ظلمت درخشید و چراغی بود که در شب جهل بشر روشن شد. بیداری مشرق زمین از برکت رسالت او بود، تمدن جهانی ریشه در نبوت او دارد. (انصاریان، ۱۳۶۹ق، ج ۲: ۳۲۰؛ خلجی، ۱۳۵۳ش: ۵۲)

خیر و نیکی در قرآن

قرآن مجید هر برنامه ای را که در حقیقت، به نفع خانواده و جامعه باشد و منتهی به ثواب آخرت گردد، خیر می داند: «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمُتُّبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (بقره / ۱۰۳)

قرآن مجید ایمان و تقوی را در پیشگاه حضرت حق، منبع خیر می داند: «وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ». (بقره / ۱۸۴)

خداوند در این آیه ی شریفه، روزه را برای بندگان خیر می داند: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ» (بقره / ۲۶۳)

آری! صدقه ای که در آن منت و تحقیر شخصیت فقیر باشد، شر است ولی خیر در انفاق و قول معروف و طلب آمرزش است. چنانکه خداوند فرموده است: «ان تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (بقره / ۲۷۱)

گذشت از مال و دستگیری از تهی دستان، رسیدگی به فقرا ی آبرومند، و مستمندان، از نظر قرآن مجید خیر است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (نساء / ۵۹)

چه خیری در زندگی، از اطاعت خدا و رسولش بهتر است؟ و کدام خیر نیکوتر از این است که در اختلافات به حکم خدا و رسولش گردن نهیم؟ «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره / ۱۱۰) در این آیه ی کریمه، نماز و زکات خیر دانسته شده است.

امر به معروف و نهی از منکر در آیه زیر، خیر شمرده شده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴)

در جای دیگری، صبر خیر شمرده شده است: «وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (نساء / ۲۵)

و نیز، توبه هم خیر شمرده شده است: «فَإِن تَابْتُمْ فَهِيَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (توبه / ۳)

جهاد هم از مصادیق خیر است: «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه / ۴۱) و همچنین، باقیات الصالحات هم خیر شمرده شده است: «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا» (کهف / ۶۴)

از آیات گذشته می فهمیم که تمام عبادات و خدماتی که انسان برای خدا به بندگان می نماید، همچنین اخلاق حسنه، اعمال صالح و صدقات و انفاقات، حکمت، علم، همه و همه خیر است و به فرموده حضرت زین العابدین علیه السلام وجود مقدس حضرت محمد صلی الله علیه و آله قائد خیر است. یعنی او بود که خیر را در مفهوم وسیع به مردم تعلیم داد و خود بهتر و بیشتر از مردم به خیر آراسته بود، و جلودار امت اسلامی در عمل به خیرات و کمالات بود. (انصاریان، ۱۳۶۹ق، ج ۲: ۲۸۸،؛ خلجی، ۱۳۵۳ش: ۱۰۰)

صفت دوم: امام رحمت

برجسته ترین صفت پیامبر ﷺ که در قرآن آمده است و امام سجاد علیه السلام نیز در صحیفه سجادیه به آن اشاره در کرده است، امام رحمت بودن رسول خدا است.

معنا و مفهوم رحمت

راغب اصفهانی می نویسد:

رحمت در لغت به معنای رقت قلبی است که اقتضای احسان به موجود مورد رحمت را می کند و گاهی تنها در رقت قلب بکار می رود و گاهی در احسان بدون رقت قلب. (راغب، ۱۴۱۲ق: ماده رحم)

حقیقت رحمت الهی

الف - رحمت عامه:

مشهور آن است که صفت رحمان اشاره به رحمت عامه خداوند دارد و شامل حال دوست و دشمن، مومن و کافر می شود. زیرا می دانیم که باران رحمت بی حسابش به همه جا رسیده و خوان نعمت بی دریغش، همه جا کشیده شده است. همه ی بندگان از مواهب گوناگون حیات بخشش بهره مندند و روزی خویش را از سفره گسترده نعمتهای بی پایانش بر می گیرند، این همان رحمت عام اوست که پهنه هستی را در برگرفته و همگان در دریای آن غوطه ورنند. وجود هر موجودی، اثر رحمانی حق است و عالم نمایشگاه رحمت و فیض الهی است.

ب- رحمت خاص:

صفت رحیم اشاره به رحمت خاص پروردگار دارد، که ویژه بندگان مطیع و فرمان بردار است. یعنی کسانی که به حکم ایمان و عمل صالح، شایستگی این را یافته اند که از رحمت، بخشش و احسان خاص که آلودگان و تبهکاران از آن سهمی ندارند، بهره مند گردند و یا شامل گنهکارانی می شود که توبه کرده و روی به سوی پروردگارشان آوردند. (مغنیه، ۱۳۸۶ش: ۸)

رحمت در آیات قرآن به معانی مختلفی آمده است. گاهی بر مسئله هدایت و گاهی نجات از دشمن و گاهی باران پر برکت و گاه به نعمت های دیگری، همچون نور و ظلمت، شب و روز و در موارد بسیار نیز به بهشت و مواهب خدا در قیامت اطلاق شده است. بخشیدن گناهان، قبول توبه و عیب پوشی از آنان، فرصت دادن برای جبران اشتباهات، همه از مظاهر رحمت و مهربانی اوست. رحمت الهی گاهی جنبه تشریحی دارد که از طریق بعثت پیامبران و

نزول کتب آسمانی و تشریح احکام و بشارت ها و انذارهاست و گاهی جنبه تکوینی دارد و از طریق امدادهای معنوی و الهی است.

امام سجاد علیه السلام: می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله امام رحمت است
«اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ، وَنَجِيئِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيئِكَ مِنْ عِبَادِكَ،
إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ».

استاد حسن ممدوحی کرمانشاهی در ضمن بیان امام رحمت بودن پیامبر صلی الله علیه و آله می افزاید: «ایشان امام الرحمه بود: یعنی مردم باید به این نکته آگاهی پیدا کنند که آنچه را پیامبر اسلام برای آنان آورده است، تحمیل، بار و مزاحمت نیست، زیرا احکام اسلام هدیه ای عظیم از جانب حضرت حق است که بر مردم نازل گردیده است». (ممدوحی، ۱۳۸۵ش، ج ۱: ۳۲۷؛ موسوی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۰ و ۹؛ همو، ۱۴۲۵ق: ۴۵)

پس مردمی که در این جهان و عرصه وسیع هستی قدم گذارده اند، باید توجیه شوند که چگونه در این عالم زندگی کنند و برای ابدیت خود چه فکری نمایند. شارع مقدس، چراغی در ظلمات جهان و طیبی است که همواره دارو و درمان را به همراه خود دارد و به هر جای که وارد شود، مرهم زخم ها است. و او کسی است که خداوند متعال در باره اش فرموده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/ ۱۰۷)

صفت سوم: نجیب بودن رسول خدا

معنای نجیب

جهت اطلاع از معنای لغوی نجابت، مراجعه به کتب لغت ضروری است. در این میان، کتاب «العين» نجابت را اینچنین معنا کرده است: «والنجابه: مصدر النجيب من الرجال، وهو الكريم ذو الحسب؛ نجابت: مصدر است و به مردان نجیب اطلاق میشود و در باره ی اشخاصی به کار میرود که صاحب کرامت و اصل و نسب باشند». (فراهیدی، ۱۳۸۳ش، ج ۶: ۱۵۲)

ابن منظور در لسان العرب گفته است: «نَجِبٌ يَنْجِبُ نَجَابَةً: إِذَا كَانَ فَاضِلًا نَفِيسًا فِي نَوْعِهِ وَمِنْهُ الْحَدِيثُ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّاجِرَ النَّجِيبَ أَيْ الْفَاضِلَ الْكَرِيمَ السَّخِيَّ؛ نجابت در هر چیزی که در نوع خود با فضل و نفیس باشد اطلاق میگردد و از همینرو در حدیث آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّاجِرَ النَّجِيبَ» یعنی خداوند شخص تاجری که فاضل، کریم و سخی باشد را دوست دارد».

(ابن منظور، ۱۳۰۸ق، ج ۱: ۷۴۸) و یا: «نَجِبٌ يَدُلُّ عَلَى خُلُوصِ شَيْءٍ وَكَرَمٍ».

النجابه مصدر. الرجل النجيب أى الكريم و انتجب فلانا استخلصه واصطفاه و رجل نجيب سخی کریم؛ نجب بر خالص بودن چیزی و کرامت آن دلالت دارد. نجابت مصدر است. مرد نجیب یعنی: مرد کریم. و انتجب فلانا یعنی: فلان چیز را خالص و مصفاً گرداند و مرد نجیب یعنی: مرد با سخاوت و کریم. (همو: ۷۴۹)

پس، از مجموع آنچه بیان شد، معنای لغوی نجابت مشخص گردید که نجابت به معنای حسب کریم و با اصل و نسب و انسان فاضل و ارزشمند و سخی و کریم آمده است.

در برخی روایات و در مقام بیان فضائل اخلاقی، این کلمه معادل و مرادف با کلمه عفت و حیا و وقار نیز به کار رفته است. بنابراین، روایاتی که در مورد عفت و حیا و وقار است بیانگر نجابت نیز می باشد.

نجابت و وقار و سنگینی از خصلت های ارزشمندی است که انسان بهره مند از آن، دارای امتیازات ویژه و جایگاه والایی است. نجابت و حیا صفتی است که هر کس به آن آراسته باشد، از متانت و شخصیت ممتازی برخوردار است. انسان نجیب دارای حالت روانی خاصی است که تعادل و وقار در رفتار و حرکات و سکناش هویدا می گردد. شخص نجیب کسی است که از شجره و درخت ناپاک متولد نشده و در آن تربیت نیافته است و پیامبر ﷺ از بین مخلوقات خداوند متعال موجودی است که تمام معنا، نجیب و هیچ گونه بدی در ذات وی راه ندارد و این امری است که در وجود پیامبر ﷺ ضروری به نظر می رسد، تا موجب اقبال مردم به سوی آن حضرت گردد.

امام سجاد (علیه السلام) در دعای دوم صحیفه سجادیه می فرماید: «اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَحَيْكَ، وَنَجِيبِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِمَامِ الرَّحْمَةِ، وَفَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ»

خلجی در تفسیر نجابت پیامبر اکرم ﷺ می گوید:

«محمد ﷺ از نظر اصالت خانوادگی، یک نجیب زاده است؛ قبیله اش قریش، برجسته ترین قبیله عرب حجاز، که از نظر تجارتمی موقعیت حساسی در شبه جزیره دارد و در خاندان هاشم، که انتسابش به کعبه بدان عزت و احترامی مذهبی بخشیده است، نه پست گمنامی بود که در حلقه صاحبان نسب، زیون باشد، و نه ثروتمند متنعمی که ثروت و تنعم، او را به سرکشی برانگیخته و قلبش را چون قلب حریفان دنیا، سنگین و زنگزده ساخت».

(خلجی، ۱۳۵۳ش، ج ۲: ۷۵ و ۵)

صفت چهارم: کلید برکت

برکت از جمله مفاهیم دینی است که در قرآن کریم و روایات اسلامی جایگاهی مهم دارد و در فرهنگ عامه مسلمانان گسترش چشمگیری یافته است. ریشه «بَرَكَ» در لغت عرب به معنای مطلق رشد و فزونی، یا فزونی و کثرت در خیر است. برخی سعادت را نیز به همین معنا گرفته اند. این واژه در قرآن کریم، به صورت جمع در سه آیه دیده می شود. (اعراف/۹۶؛ هود/۴۸ و ۷۳). واژه های هم خانواده «برکت» سی و دو بار، در قرآن کریم به کار رفته است و در اصطلاح قرآن، برکت، ثبوت خیر الهی است و برکات، نعمتهای دائمی و خیر ثابت هستند. شاید تفسیر برکات به خیرهای فزاینده نیز، که با معنای لغوی سازگارتر است، همان خیر ثابت را افاده نماید؛ چون هر خیری با رشد و فزونی، ثبوت و دوام خود را نیز حفظ می کند. برکات آسمان بر فزونی باران، و برکات زمین به فراوانی گیاه و میوه آن تفسیر شده است.

امام سجاد علیه السلام: رسول خدا کلید برکت است

امام سجاد علیه السلام در دعای دوم صحیفه سجادیه می فرماید:

«اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ أَمِينِكَ عَلَيَّ وَحِيَّتِكَ، وَنَجِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفِيَّتِكَ مِنْ عِبَادِكَ، إِسْمَ الرِّحْمَةِ، وَقَائِدِ الْخَيْرِ، وَمِفْتَاحِ الْبَرَكَةِ»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واسطه هر نعمتی است. زیرا هم اصل نزول هر نعمتی به وساطت آن حضرت است و هم برکت داشتن هر نعمتی به واسطه وی می باشد. بنابراین، حضرت محمد صلی الله علیه و آله کلید گشایش گنجینه های برکت است، که با گشودن این گنجینه ها، پاکیزه ها را حلال و پلیدیها را حرام، و بار گران تکالیف سخت و دشوار را از دوش آدمیان برداشت و غل و زنجیر آداب و رسوم دست و پاگیر را از آن ها فرو نهاد و آدمیان را به جایگاه کرامت و بزرگواری ره نمود ساخت. به پیمودن راه خوشبختی، خوشبختی فرد و اجتماع، که صراط «اسلام» است، فراخواند؛ یعنی به آسایش جاویدان، که همواره خوش زیستن و در زندگی خوش بودن و پس از مرگ نیز خوش بودن است. (رضوانی، ۱۳۹۰ش: ۹ و ۵۵؛ موسوی، ۱۴۲۵ق: ۴۴)

استاد حسین انصاریان در بحث مفتاح برکت بودن پیامبر صلی الله علیه و آله می افزاید:

«جهان قبل از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفتار ظلم و جهل و نسبت به واقعیات و حقائق عقلی و ملکوتی و الهی دچار تهی دستی بود. رسالت او مشعل پرفروغی چون قرآن که بر سینه مبارکش برای بیداری جهانیان نازل شده بود و در تمام شئون حیات انسان ایجاد دگرگونی کرد، عقل

ها از کار افتاده بود، او به کار انداخت، دانش محدود بشر در چهار چوب های معینی بود، او، وی را با خبر کرد، تحصیل علم در تمام ملت ها محدود به طوایف معین بود، او فراگیری دانش را بر همگان فریضه اعلام کرد. بنیان تمدن جاهلیت را خراب کرد. وی تمدن دیگر از تمدن امروز که ریشه در در گذشته داشت، از نو بنیاد کرد. راه و رسم ترقی و تربیت را حضرت او و امامان بعد از وی به جهانیان آموختند. مسلمین از برکات وجودی او به مدارج عالی و کمال رسیدند و از میان آنان، دانشمندانی بزرگ در تمام رشته های علمی برخاستند و کتابخانه های عظیمی ایجاد نمودند و به نحوی که ملت ها را مدیون زحمات خود نمودند. (انصاریان، ۱۳۶۹ش، ج ۲: ۵ و ۳۳۳؛ قهپایی بدیع الزمان، ۱۳۷۴ش: ۵۰).

نتیجه

این تحقیق در باره ی اوصاف پیامبر ﷺ در صحیفه سجادیه نوشته شده است و مهم ترین اوصافی که مورد بررسی قرار گرفته اند عبارتند از:

۱- قائد خیر بودن پیامبر ﷺ، مراد از قائد بودن آن حضرت این است که تمام خیرها را به طرف انسان ها می کشاند، یا انسان ها را به سوی خیرات و خوش بختی هدایت می کند.

۲- امام رحمت بودن پیامبر ﷺ، یعنی: امام رحمت بودن آن حضرت این است که وجود آن بزرگوار، برای انسان ها رحمت است و مانع نزول عذاب الهی می شود و شریعت و احکامی که برای هدایت انسان ها آورده است، نیز، سهل و آسان است.

۳- نجیب بودن پیامبر ﷺ، منظور از نجابت رسول خدا، این است که هیچ نقصی در نسب آن حضرت وجود ندارد و نیز، خوش ذات و خوش اخلاق است.

۴- کلید برکت بودن پیامبر ﷺ، هر چیزی که دوام و افزایش داشته باشد، آن برکت است و پیامبر اکرم ﷺ سبب دوام تمام نعمت ها و وسیله ی رسیدن به تمام برکات است، به این سبب آن حضرت را کلید برکات می گویند.

منابع

- قرآن کریم.
- صحیفه سجادیه.
- لبنانی، محمد حسین، (۱۳۸۹ش) شرح الصحیفه السجادیه، تهران، انتشارات نبوی، اول.
- انصاریان، حسین، (۱۳۶۹ق) دیار عاشقان، هیئت محییین ائمه- پیام آزادی، اول.
- ممدوحی کرمان شاهی، حسن، (۱۳۸۵ش) شهود و شناخت، قم، موسسه بوستان کتاب، اول.
- قهپایی، بدیع الزمان، (۱۳۷۴ش) ریاض العابدین فی شرح صحیفه مولانا و مولی المومنین علی بن الحسین زین العابدین، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جزائری، نعمت الله، (۱۴۲۷ق) نور الانوار، قم، آسیانا-امیران، اول.
- موسوی، عباسعلی، (۱۴۱۱ق) رحاب الصحیفه السجادیه، دار المرتضی، موسسه صراط مستقیم، اول.
- خلجی، محمد تقی، (۱۳۵۳ش) اسرار خاموشان، قم، پرتو خورشید.
- حسینی شیرازی، محمد باقر موسوی، (۱۴۲۵ق) لوامع الانوار العرشیه فی شرح الصحیفه السجادیه، اصفهان، موسسه زهراء، اول.
- مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۶ش) فی ظلال الصحیفه السجادیه، قم، موسسه دارکتاب اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۳۸۳ش) العین، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق) مفردات فی غریب القرآن، (بی جا) اول.
- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۹۰ش) پیامها و هدایتها- نکته شناسی در صحیفه سجادیه، قم، دلیل ما، اول.